



آخرین وداع با آقای کشور دوست

گزارش فرسنگ به فرسنگ مسافر جاده اندوه از هم‌آوایی ایران در مسیر سرخ تهران

گزارش

پایتخت امروز جغرافیا را در خود مجاله کرد؛ ایران در تهران نفس کشید تا طولانی‌ترین بدرقه تاریخ کلید بخورد. دوشنبه ۱۵ عقربه‌ها پیش از ساعت ۶ صبح با قدم‌های مصمم یک امت کوک شدند؛ امتی که با شعار «باید برخاست»، پهنای ۲۱ کیلومتری شرق تا غرب پایتخت را به سهمگین‌ترین سیل سرخ و سیاه قرن تبدیل کرد. امروز از «دماوند» و «امام حسین» تا قلب «انقلاب» و «آزادی» معابر، دیگر مسیر عبور نبودند، رگ‌های خونی ملتی بودند که با چشمانی خیس، آخرین قرار عاشقانه را رقم زدند. تمام جاده‌ها به یک‌سو باز شدند تا تهران، آینه تمام‌قد همه شهرها و روستاهای کشور شود؛ جایی که پیرمردان با عصا و جوانان با حیرت خط بستند تا آخرین دیدار با آقای ساکن خیابان کشور دوست را به تکان‌دهنده‌ترین قاب قرن تبدیل کنند. سومین منزل از این سفرنامه وداع، گزارش فرسنگ به فرسنگ مسافری است که تیش قلب‌های ایران و چادرهای خاک‌گرفته این سرزمین را در مسیر «خیابان سرخ» قلمی کرد؛ پیش‌درآمدی از یک ابرتشیع و طوفان انسانی که از دمام‌زنی بامدادی میدان انقلاب و خروش عبورمردان کرمانشان تا بیان گل‌بالگردها بر فراز آزادی را در خود بلعید، پیش از آنکه کاروان سرخ شهدا سینه شب چمکران و قم را بشکافد.

وقتی متروک اصلی شد ساعت ۶:۱۵ زیرپوست شهر گیت‌های ورود و خروج مترو باز شده‌اند. عقربه‌های ساعت ایستگاه‌ها، ثانیه‌ها را تندتر از همیشه رد می‌کنند. قطارهای فوق‌العاده پشت‌سرم و با فاصله کم وارد خطوط می‌شوند. صدای بوق ممتد قطارهای زیر زمین با شعار «مرگ بر آمریکا» مسافران به صف ایستاده، درهم می‌آمیزد. راهروهای منتهی به سکوهای لبریز از جمعیت است. لرزش خفیف دیوارهای بتنی مترو نشان از بارگذاری چند برابری ناوگان دارد. مأموران ایستگاه با بلندگوهای دستی مدام از مردم می‌خواهند به دلیل تراکم شدید در ایستگاه‌های «تاتار شهر» و «میدان انقلاب»، یک ایستگاه قبل یا بعد پیاده شوند. پله‌های برقی توان کشیدن این حجم از انسان سیاه‌پوش را ندارند و خاموش شده‌اند؛ مردم پیاده‌روهای عمودی را سینه‌به‌سینه بالا می‌روند.

صدای سردار قبل از آغاز رسمی مراسم، سردار حسن حسن‌زاده، رئیس قرارگاه برگرزی آیین وداع، نماز و تشییع رهبر شهید؛ پشت تریبون می‌آید. یک تغییر لجستیکی مهم و یک عذرخواهی رسمی از ساکنان شرق پایتخت و شهروندان در خیابان آزادی؛ «برنامه‌ریزی اولیه ما برای انتقال پیکرهای از مسیر خیابان انقلاب بود؛ اما به دلیل حضور گسترده، تراکم شدید و زود هنگام زائران و شهروندان در چهارراه و خیابان آزادی، عملاً دسترسی به مسیرهای پیش‌بینی شده امکان‌پذیر نبود». او اعلام می‌کند با توجه به شرایط میدانی، مسیر حرکت به طور قطعی بعد از میدان انقلاب به سمت میدان آزادی خواهد بود و زمان برگزاری این مراسم ۱۰ تا ۱۲ ساعت پیش‌بینی شده است.

غوغای سرود ملی ایران در میدان امام حسین (ع) همزمان با حرکت نخستین صفوف در میدان امام حسین (ع)، سرود ملی جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود. همخوانی میلیون‌ها و یکصدای مردم، پژواکی ساخته که گویی سقف پایتخت را می‌شکافت. پس از سرود، شعارهای تک‌ضربه‌ای فضای خیابان را قسرق می‌کند: «ای اهل حرم میر و علمدار نیامد...»، «عزراست امروز/ خامنه‌ای شهید، پیش خداست امروز...» موج سیاه‌پوشان عرض خیابان انقلاب را بلعیده است. اما این سیاهی یک‌دست، زیر رقص مدام پرچم‌های سرخ خون‌خواهی و پرچم‌های سه رنگ ایران می‌شکند. تضاد رنگی سرخ و سیاه، تصویری حماسی و بی‌ظنیر ساخته است؛ شبیه به یک معراج زنده در دل پایتخت. مردم با تصاویری از رهبر شهید در دست، اشک ماتم می‌ریزند و با مشت‌های گره‌کرده بر سینه می‌کوبند و فریاد می‌زنند: «ای رهبر شهیدم راهت ادامه دارد، ای پدر شهیدم راهت ادامه دارد.»

خطوط تند خون خواهی ساعت ۷:۰۰ صبح پیاده‌روهای روبه‌روی دانشگاه تهران بازار خلق نشانه‌های خودجوش است. مردم

به بوسترهای جایی ستاد اکتفا نکرده‌اند. کارتن‌های خالی آب‌معدنی و جعبه‌های میوه موبک‌ها، زیر دست جوانان و پیرمردان تبدیل به پلاکار می‌شوند. مردی میانسال با مازیک مشکلی پهن، روی یک تکه مقوا با خطی لیزان اما درشت می‌نویسد: «پدر ایران، فرزندانیت پتیم شدند اما تسلیم نه! کمی آن طرف‌تر، چند دختر دانشجو با اسپری سرخ، روی پارچه‌های سفید متری، کلمه «انتقام» را کلیشه می‌کنند. این خطوط تند و جوهری، بدون هیچ روتوش رسانه‌ای، مستقیماً عصبانیت و وفاداری بافت کف خیابان را بر رخ لنز دوربین‌های مستقر روی دکل‌ها می‌کشد.

انتظار مشترک جغرافیای زنده ایران ساعت ۷:۲۰ صبح با تلافی لهجه‌ها در حوالی ایستگاه «روژه شمیران»، تهران امروز دیگر فقط یک شهر نیست، قلب تپنده ملتی است که از چهار گوشه جغرافیا آمده‌اند تا پایتخت، آینه تمام‌قد شهرها و روستاهای ایران شود.

حضور نسل جوان در طوفان سرخ ساعت ۸:۰۰ صبح نقش آفرینی نسل جوان و دانشجویان در عرصه‌های مختلف خدمت‌رسانی به عزاداران چشمگیر است. ایستگاه‌های صلواتی دانشجویی، تصویری از همدلی و وفاداری نسل جدید را به نمایش گذاشته‌اند. هوا ثانیه‌به‌ثانیه داغ‌تر می‌شود. آفتاب تیرماه بی‌رحمانه می‌تابد، اما در کف خیابان، اراده‌ها محکم‌تر است.

دستگاه‌های مه‌پاش بزرگ در فواصل معین مستقر شده‌اند و بی‌وقفه آب و گلاب می‌پاشند تا گرمای هوا در برابر اراده و خواست این مردم از خجالت‌آب شود. همکاران کمیته‌های ستاد برگزاری با تدارک تمهیدات لازم، از جمله تأمین آب آشامیدنی و ارائه خدمات در خیابان‌های فرعی، شرایط را برای شهروندان به‌ویژه در این اتمسفر گرم تسهیل می‌کنند.

نشانه نمادین میدان انقلاب ساعت ۸:۳۰ صبح است. خودروی حامل پیکر شهید

به حریم «آزادی» وارد شد. تراکم در مسیرهای منتهی به «آزادی» به اوج خود رسیده است. علی‌رغم گرمای شدید تیرماه و مسیر طولانی، هر دقیقه بر خیابان حاضران اضافه می‌شود. ناگهان خودروی سنگین، سیاه‌پوش و مزین به پرچم ایران اسلامی، وارد جمعیت می‌شود. زمین تکان می‌خورد. دست‌ها بالا می‌روند.

عزاداران به سمت میدان انقلاب، جایی که المان حجمی «مشت‌گره‌کرده» نصب شده در حال حرکت هستند. این نشانه از فایرگلاس ساخته شده و بر پایه آن، اسامی شهدای دانش‌آموز جنگ تحمیلی سوم در میانه و لامرد نقش بسته و حالا تبدیل به پس‌زمینه شات‌های عکاسان می‌شود.

گره ترافیکی عشق در یادگار امام ساعت ۹:۰۰ صبح خودروی حامل پیکر شهید از محدوده مهدیه امام حسن (ع) در بزرگراه یادگار امام وارد اجتماع عظیم تشییع‌کنندگان می‌شود. حجم حضور مردم به اندازه‌ای است که خودروی حامل پیکرها در یک مسیر هزار متری، با سرعتی بسیار پایین و در مدت زمان نزدیک به دو ساعت و نیم طی مسیر می‌کند تا به ورودی میدان آزادی برسد.

تصمیم میدانی برای طواف امت ساعت ۱۱:۳۰ صبح خودروی حامل شهید با مشایعت انبوه عزاداران که پیاده مسیر را شکافته‌اند، وارد میدان آزادی می‌شود. نیمه جنوبی میدان مملو از جمعیت است و بسیاری از شهروندان ساعت‌ها در انتظار مانده‌اند. سردار حسن‌زاده اعلام می‌کند به دلیل حضور میلیون‌ها منتظران در میدان، تصمیم گرفته شد خودروی حامل پیکر، یک دور کامل دور میدان آزادی بزند تا تمامی عاشقان و دلدادگان بتوانند از فیض زیارت پیکر شهید بهره‌مند شوند. بالگردهای هواپرواز بر فراز میدان به پرواز درمی‌آیند و روی تابوت‌ها و مردم گل می‌ریزند.

اگر خیابان آزادی امروز حرف می‌زد آسفالت «آزادی» پیرترین رگ راهپیمایی این شهر سال‌هاست که به سنگینی قدم‌های این ملت، به طنین تکبیرها و به عرق ریزان تیرماه‌ها عادت دارد. بهمن ۵۷ را دیده است. روزهای جنگ را شمرده و بدرقه حاج قاسم را در حافظه بتنی اش حک کرده است؛ اما امروز، دوشنبه ۱۵ تیر، «آزادی» تنها یک خیابان نبود؛ آغوش بی‌انتهای یک ملت بود.

اگر امروز حجره داشت، به راویان خارجی که با بهت از بلندای برج به موج انسان‌ها نگاه می‌کردند،

می‌گفت: «این حجم از سیاهی، تاریکی نیست؛ این چادرها و پیراهن‌های مشکی، زره وفاداری یک زن لرستانی، خاک کفش آن‌راثر خوزستانی و اشک آن دانشجو را تماشا کنید تا به یاد بسپارید که فرمول این خانه با معادلات نخته‌سیاسی آن‌ها حل نمی‌شود.» امروز وقتی خودروی حامل پیکر آقای ساکن خیابان کشور دوست روی نشانه‌های «آزادی» لغزید، سنگینی تابوت‌ها را حس نکرد؛ سنگینی بغض میلیون‌ها مردمی را فهمید که دو نوبت نماز را روی سینه‌اش لشکر خواندند. «آزادی» امشب با دانه‌های جامانده از تسبیح‌ها، لنگه‌کفش‌های پاره و عطر کلاب مه‌پاش‌ها تنها می‌ماند؛ اما تا همیشه به یاد خواهیم داشت آخرین قرار عاشقانه پایتخت با رهبر شهید ایران، در آغوشش تمام شد. کاروان رفت، اما اصالت این قدم‌ها در جان آسفالت «آزادی» جاری است...

حماسه آزادی ساعت ۱۷:۰۰ بعد از ظهر گذشته و کاروان از لاین‌های خروجی میدان آزادی عبور کرده و حالا پیاده‌روها کم‌کم در حال تخلیه به سمت ایستگاه‌های اتوبوس‌های تندرو هستند. پهنه عربض آزادی و حاشیه بزرگراه لشکری خلوت می‌شود، اما نشانه‌های هجوم خروشان میلیون‌ها روی زمین جا مانده است. یکی از پاکبانان، سربند مشکلی جا مانده‌ای را که روی آن نوشته شده «یا خامنه‌ای» از روی جدول برمی‌دارد، عبارش را می‌تکاند، می‌بوسد و به آینه بغل ماشین گره می‌زند.

ساعت که از ۱۸:۰۰ عصر می‌گذرد کاروان سرخ شهید پایتخت را ترک می‌کند تا برای منزل بعدی مهیا شود. طبق هماهنگی‌ها و برنامه‌ریزی‌های نهایی، قرار است پیکر مطهر رهبر شهید و خانواده‌شان قبل از نماز صبح سه‌شنبه ۱۶ تیرماه به مسجد مقدس جمکران برسد تا بعد از اقامه نماز صبح در میعادگاه منتظران، مراسم تشییع باشکوه دیگری از مسجد مقدس جمکران تا حرم حضرت فاطمه معصومه (س) انجام شود و خاک قم آغوش خود را برای مسافرانش بگشاید. فردا جاده روایت دیگری خواهد داشت...

